سیاست انگلیس و انتقاد از روش آن در ایران: موجبات سوء ظن و شرایط امیدواری

افشار، ایرج

آقای بوین وزیر امور خارجه بریطانیای کبیر طی نطقی که چندی پیش در مجلس‏ شورای آن مملکت ایراد نموده اظهار داشتند:«من از هر کشور بزرک یا کوچکی در دنیا که نسبت بسیاست انگلستان ظنین است دعوت میکنم بمن بگویند که سوءظن آنها در چیست و من در این خصوص با آنها مواجه خواهم شد.»

گرچه مخاطب آقای بوین دولتهای بزرگ و کوچک است نه افراد،ولی چون میدانم‏ دولت ما چنین اظهاری را نمی‏نماید،من که فرد عادی هستم از این دعوت استفاده کرده‏ بنام یک ملت ستمدیده مراتب زیر را ابلاع مینمایم.

یکماه قبل از نطق ایشان اقای ایدن،وزیر خارجه سابق،در مجلس عوام اظهار کردند:«ا در ایران فقط یک علاقه داریم و آن اینست که کشور نامبرده را سعادتمند و متحد و قوی به‏بینیم و چیزی‏که ما اصلا در این کشور نمیخواهیم بازگشت اصل ایجاد مناطق نفوذ و مسائلی از آن قبیل است که تا مدت مدیدی پیش از این در ایران وجود داشته و برای یک نسل باعث عدم محبوبیت مادر میان ایرانیان گردیده است.»

بیست سال پیش لارد بالفور موقعی که وزیر خارجه بود در مجلس اعیان‏ اظهار داشت:

«تنها سیاست انگلیس در زمان هر حکومتی این بود که ایرانرا آزاد و مستقل‏ مشاهده کند.انکلستان مایل است که با ایران مثل همسایه با شرائط مساوی رفتار نماید زیرا استقامت،تمدن و قدرت او را همیشه ضامن منافع عمومی شرق تا آنجا که‏ مربوط به منافع ماست میدانیم.ما مسرت داریم که استقلال ایران تأمین شده و این مملکت‏ رو بآبادی است.»

این نطق که شباهت کاملی با بیانات اخیر مستر ایدن دارد موقعی ایراد گردید که هنوز احمد شاه سلطنت میکرد و پهلوی پادشاه اخیر فقط رئیس الوزارء ایران بود،قرارداد 1919 ملغی گردیده و دخالت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در امور ایران نمایان نبود؛از یک‏ طرف امنیت استقرار مییافت و از جانب دیگر نوید اصلاحات داده میشد.من تحت‏تأثیر ان‏ اوضاع و مشاهده اظهارات وزیر خارجه انگلیس در دنباله نطق لارد بالفور که آنرا در شماره‏ اول مجله آینده چاپ کرده بودم نوشتم:

«در اینکه این اواخر سیاست انگلیس نسبت بایران روش پسندیده‏تری بخود گرفته‏ از روی قرائن خارجی گویا مورد تردید نباشد و جای تعجب هم نیست...اما اینکه‏ «تنها سیاست انگلیس در زمان هر حکومتی این بود که ایران را آزاد و مستقل مشاهده کند» باوجود معاهده 1907 و قرارداد 1919 که خود لارد بالفور عاقد آن بود تصدیق نمی‏ شود.اگر گفته بود«منفعت بریطانیا»یا«آرزوی انگلیس»چنین است مسئله فرق میکرد و میتوانستیم فرض کنیم که قضایای دیگری مانع بود که سیاست انگلیس هم چنان باشد.»

اما باوجود این بیانات صریح بالفور،وزیر خارجه بریطانیا،مدت بیست سال یک‏ رژیم سیاسی بسیار نامطلوبی بکمک انگلیس و بتصدیق بعدی خود انگلیسها در ایران برقرار گردید.آن«رژیم»است که ما را باین روز سیاه نشانیده و سیستم حکومت فعلی ایران هم‏ وارث حقیقی و دنباله طبیعی همان«رژیم»است،اسم آنرا امروز هرچه میخواهند بگذارند.

پس از پایان سلطنت شاه سابق،در 14 آبان 1320 رادیوی دولتی لندن خطاب‏ بملت ایران گفت:

«...ما مصلحت خود را چنین تشخیص داده‏ایم که ایران باید مستقل و تمامیت خاکی او محفوظ و نظم و امنیت در آنجا مستقر باشد،چرا که ایران نه فقط دروازه هندوستان است‏ بلکه در واژه تمام آسیاست و عدم استقلال و بی‏نظمی و اغتشاش در آنجا برای ما نه تنها مضر بلکه‏ خطرناک است...دولت و ملت ایران بخودی خود هرقدر مستقل و مقتدر باشد اقتدارش برای ما مضر نمیتواند باشد.دولت انگلیس از این سیاست اصلی منحرف نمیشود و در کار ایران مداخله نمیکند مگر بیکی از دو علت:یکی اینکه مأیوس شود که دولت ایران بر پای خود بماند و دیگر اینکه‏ منافع حیاتی خود را در ایران بمخاطره ببیند....»1

ولی پس از این سخنرانی هم دیدیم که عمال و دست‏پرورده‏های بیست ساله کما فی‏ السابق با طرز مفتضحانه‏تری بر ایران حکومت می‏کنند و مردم آنها را متکی به سیاست‏ انگلیس میدانند.

(1)چون خطابه مزبور اهمیت دارد میل داشتیم عینا در مجله درج کنیم ولی بواسطه تنگی‏ جا معذوریم.خوانندگان میتوانند بمقدمه جلد دوم تاریخ بیست ساله ایران«مقدمات تغییر سلطنت»تالیف آقای حسین مکی مراجعه کنند.

آیا نطق متر ایدن که شباهت کامل با اظهارات لارد بالفور و رادیوی لندن دارد باز سرپوش زیبائی برای استتار سیاست ناپسند و مقدمه برقرار شدن رژیمی نظیر رژیم‏های‏ بیست و چهار ساله است یا این مرتبه حقیقة دولت انگلیس در نتیجه تجربیات تلخی که گرفته‏ شده میخواهد چنان‏که مستر ایدن اظهار داشته«این کشور سعادت‏مند و متحد و قوی»باشد. من امیدوارم این نوبت چنین باشد،زیرا نطق وزیر خارجه سابق انگلیس خاتمه‏ای دارد و در آن تصدیق می‏کند که سیاست گذشته«برای یک نسل باعث عدم محبوبیت بریطانیا در میان‏ ایرانیان گردیده است.»

مستر ایدن حق گفته است و دولت انگلیس در اثر سیاسهای 1907 و 1919 و بیش‏ از آنها سیاست بیست ساله و از آن بیشتر سیاست چهار ساله اخیر در نر و در دل ایرانیان‏ بیش از آنچه او تصور کرده نامحبوب شده است.اما این نفرت فقط از روش سیاست‏ «متودپلیتیک»بوده است،وگرنه ملت انگلیس همیشه در چشم ایرانیان مقام ارجمند داشته‏ و اشخاصی مانند پرفسور برون نزد دانشمندان ایران بی‏اندازه گرامی بوده‏اند و در صدر مشروطیت که انگلیس‏ها از مشروطه‏خواهان حمایت می‏کردند سفارت انگلیس در تهران‏ محبوبیت کامل داشت.

پیش‏بینی قبل از قرارداد 1919

در بیست و هفت سال پیش،دو ماهی قبل از انعقاد قرارداد معروف 1919 موقعی‏ که نمایندگان ایران برای حضور در کنگره صلح بپاریس رفته بودند و آنها را مانند کنفرانس‏ مسکو نپذیرفتند و هنوز هیچ خبری از عقد قرارداد نامبرده نبوده و حتی نمایندگان ایران‏ با مشارکت مرحومین مشاور الممالک و ذکاء الملک و انتظام الملک و آقای حسین علاء یادداشتی‏ بانضمام یک نقشه به کنفرانس داده و تقریبا سرحدات زمان آغا محمد خان قاجار و کریمخان زند را مطالبه میکردند(!)و این عمل آنها حتی در نطر من که در آن وقت یک محصل بیش نبودم«مسخره» آمده بود بنحوی که در رساله دکترای خود آنرا تقبیح کرده‏ام،1مقاله مفصلی تحت‏ عنوان«مسئله ایران و صلح»در مجله مهم‏سویس موسوم به«کتابخانه جهان»2بزبان‏ فرانسه انتشار دادم که اینک چند سطری از آنرا نقل میکنم:

«از وقتی که امپراطوری روس متلاشی شده و آلمان هم از صحنه سیاست شرق وسطی‏ دور گردیده خطری که امنیت هندوستان را تهدید میکرد وجود ندارد.فعلا چون دیگر بی‏ مورد است که دولت انگلیس سیاست رقابت و موازنه را در ایران تعقیب نماید ناچار یا«سیاست تسلط»را پیش خواهد گرفت یا سیاست حق و عدالت را.... در صورت تعقیب سیاست تسلط،و استقرار در ایران،انگلیس از پلتیک صدساله خود (1)کتاب سیاست اروپا در ایران La Politique Europe?enneen Perse

(2) Bibliothe?que Uniuerselle